



۲۰۱۶/۱۱/۵



قاسم باز

اطلاعیه مورخه ۲۰۱۶/۱۱/۵ افغان جرمن آنلاين!

چون قبل ازین، نوشته جناب هاشمیان نشر شده بود بخاطر مراعات عدالت، این نوشته جناب قاسم باز را نیز منحنی آخرین نوشته در زمینه نشر کردیم. موضوع هر نوشته که بین دو مخاطب منحنی نامه های شخصی تبدیل شده باشند مدیریت افغان جرمن آنلاين از نشر چنین نوشته ها معذرت می خواهد.

درفشانی های سید؟ خلیل الله هاشمیان مدیر مسول ایینه هاشمیان!

برای هاشمیان درفشانیها و اوقی گیریها به یک کار، شغل و وظیفه حرفوی تبدیل شده، میدانم تا لحظه مرگ که جسد وی تا حضیره انتقال نیاید وی از این کار اوقیگیریها منصرف نه خواهید شد.

به این رویش که وی اختیار نمودید لازم نمی بینم به وی کلیمه، داکتر یا پروفیسور ذکر کنم، پروفیسوری و داکترا از خود ارزش و مقام کار دارد.

شما هاشمیان در بین مردم افغانستان به سه موضوع متهم هستید.

الف: گمشدن گردن بند، خانم مرحوم سردار شاولی خان در سفارت افغانی در انگلستان و اتهام گرفتن ان گردن بند خانم مرحوم شاولی خان بالای شما.

ب: زمانیکه شما مامور رسمی وزارت خارجه در انگلستان بودید، شما در کشور انگلستان به یک خانم سیتیژن انگلیس عروسی کردید، شما به این کار قوانین استخدام وزارت خارجه افغانستان که در ان قوانین انوقت ذکر گردیده بود، هیچ مامور وزارت خارجه نمی تواند زوج خارجی داشته باشد شما به این کار قوانین استخدام وزارت خارجه را زیر پا نمودید و بهمین خاطر سردار محمد نعیم خان شما را از وزارت خارجه رخصت نمود، شما این عقده را حالا از محمد داوودخان و نعیم خان میکشید، در حالیکه انها صرف قوانین انوقت وزارت خارجه را بالای شما تطبیق نمود.

ج: اشتراک پدر و کاکا شما در اغتشاش اعظم خان و افضل خان خانان شینوار بجرم همکاری به کسانیکه امنیت ملی کشور را مسلحانه به مخاطره انداخته بود.

خوانندگان محترم افغان جرمن آنلاين. اینک بیست و یک مواد از درفشانیهای هاشمیان که از سال ۱۹۸۰ شروع و الی امروز تاریخ ۲۰۱۶/۱۱/۴ در باره سردار محمد داوودخان شهید و یک عده وطن پرستان دیگرکه از فکر مریض هاشمیان تراوش نموده به خدمت شما خوانندگان گرامی نمره وار تقدیم میدارم. لحظه که این نوشته را تحت قید قلم در میاوردم چند تا دوستانم از جاهای مختلف برابم تلفون نموده و متذکر گردیدند، که لطفاً نوشته هاشمیان را فراموش کن چیزی نه نویس، بخاطریکه وی یک شخص مریض و ... است، من در جواب شان گفتم من با هاشمیان کاری ندارم فقط به بی انصافی های او باید جواب نوشت زیرا اگر جواب نگاری نکنم بیشتر مریض خواهند شد. بناً مجبورم برایش یک جواب فشرده بدون تفصیل زیاد نوشته کنم تا دوستان و دشمنان بدانند که کی با انصاف راست کوی و کی بی انصاف کاذب میباشد. من در ایینه نزدیک بالای هر یک از این مواد نوشته خود که علیه درفشانی های هاشمیان به طور فشرده نویشتم بطور مفصل خواهم نوشت، ولی برای فعلاً بصورت فشرده به این مواد اکتفا میکنم.

۱- هاشمیان در طول چند سال گذشته در ایینه خود همیشه بالای اعلان سفربری دولت شاهی بخصوص در زمان صدارت محمد داوودخان انتقاد بیجا مینمود ولی در این یک دو ماه نظر وی کاملاً ۱۰۰٪ تغیر نموده نمی دانم علت اش چیست؟

۲- هاشمیان همیشه در ایینه خود مسولیت اغتشاش و جنگ صافی کتر را که در زمان سلطنت و پاچاهی اعلیحضرت ظاهرشاه، صدارت محمد هاشم خان، وزارت دفاع شاه محمودخان، نایب الحکمی عبدالله خان وردگ به قوماندانی فرقه عسکری ننگرهار به سرکردگی محمد داوودخان و قوماندانی جنگ صافی کتر به رهبری جنرال عارف خان و مسولیت رسانیدن مهمات جنگی و لوژستیک به امریت عبدالرحیم عبدالرحیمزی صورت گرفته بود. هاشمیان تمام اجرات ان جنگ را بدوش محمد داوودخان شهید می اندازد. یعنی دیگران در شکستادن و خاموش ساختن این اغتشاش هیچ رول و دخالت نداشته و تمام کار ها را شخص محمد داوودخان انجام میداده، یعنی امر تمام سوقیات نظامی، عسکری، زمینی و هوایی به امر و هدایت وی صورت گرفته و دیگران به اصطلاح در غندی خیر نشسته بودند.

۳- هاشمیان در ایینه خود قضیه دارلمجانین قلعه زمانخان را بنام کشتارگاه مرحوم داوودخان در وقت جمهوریت. که اصلاً این واقعه از زمان صدارت داکتر عبدالظاهرخان شروع شده بود و در اخیر سال جمهوریت محمد داوودخان کشف و افشاء گردید، هاشمیان این موضوع را در سالهای ۱۹۸۰ تا که توانست این قضیه را بر ضد محمد داوودخان تبلیغ سوه نموده، هاشمیان مدعی گردیده بود که این کشتارگاه مرحوم محمد داوودخان بود که افراد بی گناه را در اینجا به قتل میرساند، مجله ایینه هاشمیان شاهد

د پایو شمیره: له 1 تر4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني دليکنيزي بني پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

این ادعا من است. هاشمیان به این گونه ادعاهای بی مسولیت نتوانست این درفشانیهای خود را جامه عمل ببوشاند، وی به این کار بی مسولیت و دروغ پردازیها تنها روی خود را در بین جامعه افغانی سیاه ساخت.

۴- هاشمیان. شهید محمد داوودخان را نظر به نقل قول جعلی و خود ساخته خود که وی ان نقل قول را به شخص دیگری بنام شرر ارتباط داد، هاشمیان در این نقل قول، از نقل قول شرر متذکر گردید و در پورتال افغان جرمن- آنلاین متذکر گردید، که داوودخان به سفارت روسها جاسوسی میکرد و همیشه بعد از وقت رسمی از طرف شام نا وقت به سفارت روسها میرفت و به آنها راپور ها روز مره را میداد، فاعتبرویا اولابصار. حیا بد چیز نیست.

۵- هاشمیان در طول سی و پنج سال گذشته داکتر محمد حسن شرق را کمونیست، عضو کاجی بی و یار غار در ایینه خود معرفی میکرد، ولی در این چند سال اخیر بطور متداوم دید و وادیدها را با وی شروع کرده و مکالمات تلفونی دارد، وی از گفتنیهای سابق خود هیچ آزر م ندارد.

۶- هاشمیان به سلسله درفشانی های بیجا اش که از ذهن ضعیف وی تراوش میکند از آوردن میت غازی امان الله خان به افغانستان و از اشتراک سردار محمد داوودخان در مراسم تشیع جنازه ان غازی بی باکانه چشم پوشی میکند. عکس ان مراسم در اخبار های افغانستان به نشر رسیده و اصل ان عکس در ارشیف ملی افغانستان موجود است، ولی هاشمیان از اشتراک محمد داوودخان در ان مراسم چشم پوشی مینمود تا اینکه این موضوع توسط داکتر صاحب عبدالله کاظم و آقای ایاز نوری ازادی مفصلاً تشریح و شرمندگی ان بهتان بی جا به هاشمیان ماند.

۷- هاشمیان در طول چندین سال گذشته همیشه از دشمنان غازی امان الله خان، مثلاً، ملک قیس خان خوگیانی، زیرک خان جدران، و یکی دو ملک شینواری پشتبانی مینمود. این افراد، اشخاص بودند که در بر انداختن حکومت مردم و مترقی امانی به سفاویان کمک نمودند، این افراد فوق الذکر در دوره سلطنت محمد نادرخان و ظاهرشاه، یعنی در زمان صدارت محمد هاشم خان و داوودخان بخاطر همکاری به پسر سفو یا اغتشاش گران سفوی به کيفر اعمال شان یعنی بند و تبعید محکوم شدند. ولی بدبختانه هاشمیان و امثالهم هاشمیان تا امروز از انها دفاع مینماید، این را گویند امان دوستی؟

۸- هاشمیان در کابل همراهی گروه پرچمها از نزدیک نشست برخاست و محافل شب نشینی داشت وی در این محافل از داوودخان بد گوی میکرد، و به اعضای حزب پرچم وانمود میساخت که وی سرسخت ترین مخالف خاندان ال یحیی است، وی میخواست به این ترتیب اعتماد حزب خلق شاخه پرچم را بدست بیاورد. ولی به سفارت رفتن ببرک کارمل امید هاشمیان نیز قطع گردید وی فرار را بقرار ترجیح داد و مهاجر در امریکا شد.

هاشمیان انقدر یک شخص ضعیف النفس است که وی بخاطر بدست آوردن اعتماد حزب دیموکراتیک خلق بخصوص شاخه پرچم، بخاطر بدست آوردن یک مقام و چوکی وی در فاتحه یکی از رهبران حزب پرچم که در ان وقت خلق و پرچم بر علیه حکومت محمد داوودخان اتحاد و ایتلاف نموده بود. هاشمیان در روز روشن در فاتحه میر اکبر خیبر اشتراک نمود و سر خود را به رهبران حزب دیموکراتیک خلق تا ناف خود خم کرد. راستی در دیگر نوشته تان از موضوع رفتن تان به فاتحه میر اکبر خیبر طفره نروید، خواهش است.

۹- هاشمیان تا روز حیات مرحوم ظاهر شاه طرفدار شاه بود، وقتیکه شاه فقید به حق رسید وی متوجه شد که دیگر این ارزو وی هم برآورده نشد، یکبار در سایت افغان جرمن - آنلاین اعلان نمود، که وی بعد از این ظاهر شاهی نیست.

۱۰- یک عده خیشاوندان هاشمیان بخاطر درفشانیهای هاشمیان همراهی هاشمیان رفت و آمد فامیلی ندارد.

۱۱- هاشمیان در همین پورتال افغان جرمن آنلاین به یک هموطن محترم بنام حتی به مسایل ناموس وی بنام یک توتاه گوشت، خلاف کرامت انسانی تجاوز عریان نمود و ان افغان را بخاطر همکاری به گروه جبهه شمال تحقیر و توهین نمود. این را گویند پروفیسوری و داکتری.

۱۲- هاشمیان در طول این سالهای متمادی در ایینه خود به شخصیت های بزرگوار افغانستان مانند، غلام حیدر عدالت، سید عبدالله خان، داکتر سهیل، امان الله خان حیدری، داکتر حسن شرق، به شمول پدرم و صدها تن دیگر را توهین و تحقیر نمودند. ان هم بخاطریکه اینها دوستان محمد داوودخان بودند.

۱۳- هاشمیان فکر میکند که تنها فامیل سادات وی است که در ولایت کنر زندگی مینماید، ولی وی نمی دانند که پاچاهان خوش نام دیگر نیز در کنر وجود دارد، که از فامیل هاشمیان کرده نام نیک، و اشخاص متنفع کنر هستند. فامیل سید شمس الدین مجروح بمراتب از فامیل هاشمیان کرده نام نیک صاحب حرمت و عزت هستند انها نتنها در ولایت کنر بلکه در تمام مشرقی و تمام افغانستان نام نیک دارد و مردم انها را زیاد تر میشناسد. این هاشمیان است که در ایینه خود بیجا کف و پف میکند.

۱۴- هاشمیان نتنها در مقاله نو خود بالای پدرم از جاده انصاف خارج شد بلکه بالای پدر مرحوم صمد حامد سابق معاون صدارت نیز تهمت بست، هاشمیان میگوید که پدر صمد حامد مامور پدرم بود. فاعتبر یا اولابصار. برای پدر داکتر صاحب صمد حامد به پاس خدمات شان امیر شهید امیر حبیب الله خان پدر غازی امان الله خان در خوگیانی ننگرهار چندین جریب زمین، بمنل پدر محمد گل خان مومند و پدرکلامن کامران خان داده. عبدالرزاق خان پدر داکتر صاحب صمد حامد هم به امیر شهید حبیب الله خان و هم به غازی امان الله خان زیاد نزدیک و یکی از سرداران نامور ننگرهار بودند،

۱۵- من در افغانستان و پاکستان سه نفر را میشناسم که انها به محمد داوودخان از نگاه عقده و از طی دل به مرحوم محمد

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

داودخان خطاب لیونی سردار میکند، این اشخاص شعوری میخواستند ان شخصیت را در اذهان مردم کم بیاورد، اسناد زنده این گونه افراد محل افترا گر در بوتوب موجود است این سه نفر عبارتند. جنرال بابر پاکستانی، گلاب ننگرهار خدمتگار ای ایس ای و هاشمیان، امروز مردم دوران کف و پف پدرکلانهای هاشمیان نیستند که خوب و بد را تفکیک نکنند امروز عصر اتوم است، مردم خدمتگار واقعی صادق و خابین خود را بیشتر و بهتر میشناسد، من از هاشمیان میپرسم در صورتیکه شما آگاه هانه به مرحوم داودخان لیونی میگوید، پس برای خود چی خطاب میکند، شخص فهمیده هیچ وقت تحت زعامت یک دیوانه کار نمیکند، اگر شما ادم درست و نورمال می بودید چرا تحت زعامت یک دیوانه در پوهنتون کار میکردید ایا ان کار بشما شرم نبود که شما تحت اراده یک لیونی کار کنید. هر حرف دو پهلو دارد اگر یکطرف آن را به نفع تان می شمارید طرف دیگرش را نیز مدنظر داشته باشید.

۱۶- جنرال حمید گل رئیس ای ایس ای پاکستان در یک گردهمایی کلان مهاجرین و مجاهدین در زمان جهاد در پیشاور در محضر عام گفت، که سازمان ای ایس ای پاکستان نتوانست دو شخصیت مهم افغانی را در بین مهاجرین و مجاهدین افغانی خریداری نماید، یکی قوماندان عبدالحق خان برادر حاجی صاحب عبدالقدیر خان و دیگری عزیز الله واصفی. ولی شما بدبخت خلیل الله هاشمیان در ایینه تان چی چیزها نبود که نثار این دو شخصیت ملی نه کردید، گاهی شما انها جاسوسان خطاب مینمودید، گاهی واصفی را بنام پسر سقو خطاب نمودید، و گاهی شما عبدالحق خان را بنام نماینده انگلیس خطاب نمودید. افسوس بحال کسیکه بخود ملیگیرا خطاب نماید ولی هیچ اصول ملیگیری در عمل و کردار شان نباشد. شما نه به عمر یک چشمه وفادار مانندید، نه به محمد ظاهرشاه و نه به پرچمها.

۱۷- هاشمیان، شما چقدر تهمت در مورد بیانیه مرحوم داودخان بنام خطاب بمرم افغانستان بالای محمد داودخان و بیانیه شان گفتید، گاهی شما مرحوم داودخان را بیسواد خطاب نمودید، گاهی گفتید که این بیانیه را برای وی حزب پرچم نوشته، گاهی گفتید که از مسکو برای وی ارسال شده. تهمت و بهتان هم اندازه دارد. مثل است که میگوید(ته چی نه شرمیری تا به خوک و شرموی.)

۱۸- شما به سلسله درفشانیهایتان در ایینه تان؟ درمورد ملاقات شهید محمد داودخان با بریزنیف چی اوقی گیریا نبود که نکردید، تا اینکه این موضوع را استاد محترم جناب داکترسید عبدالله کاظم و جناب محترم و عالیقدر آقای عبدالجلیل جمیلی صاحب د بیومات ورزیده و سابقدار افغانستان که شخص وی عضو ان هیت و جریان حقیقی ان ملاقات را تحریری نوشت که ان نوشته زینت بخش پورتال افغان جرمن آنلاین گردیده، چون وی شخصاً در ان ملاقات مهم و تاریخی حاضر بود، وی دروغهای تانرا رد [redacted]، بعد از ان عقل تان در سر تان امد. و چپ شدید.

۱۹- هاشمیان دروغ هم اندازه دارد، شما میگوید که پدرم را بازمحمدخان منگل، (پدر شما) بازمحمدخان منگل را به هاشم خان معرفی کرد، فاعتبرو یا اولابصار.

در پکتیا بخصوص در قوم منگل ما وقتیکه یک فرد دروغ بگوید مردم برایش میگوید. (روغ نه یی او که کری داسی)

خلیل الله هاشمیان. کاکا و پدرم پیغام نادرخان که در ان پیغام هماهنگ کردن تعیین وقت و روز حمله یکجایی بالای عساکر انگلیس در پکتیا و مشرقی یعنی بین نادر خان و صالح محمدخان بود، انها ان پیغام را از پکتیا از طرف نادرخان به مشرقی به صالح محمدخان و اوکی و پیغام صالح محمد خان را به نادر خان به پکتیا رساند، بعد از حصول استقلال نه کدام کاکایم و نه پدرم یا به نادرخان و یا هاشم خان هیچ کار نکرد، تا وقتیکه نظر به شناخت سابقه که بین انها بود وقتیکه بالای هاشم خان از طرف طرفداران سقو یعنی ملک قیس خوگیانی و مردم شینوار فشار امد، مرحوم محمد گل خان مومند، سید رسول پاچا خوگیانی بعد حاکم عالی پروان و قطع در زمان صدارت هاشم خان و داودخان که انها تا کوه تورغر یا سیاه کوهمرای هاشم خان مشایعت کرد بعد از ان چون کاکایم و پدرم راه بلد بودند انها دو نفر هاشم خان صدراعظم را که در شب حرکت میکردند تا کرمه یکجا مشایعت کردند، انها در شب اخیری راه را غلط کردند بکدام جای دیگر که از نادرخان دوربود رسیده بودند، بعد از این وقت کاکایم همراهِ هاشم خان بحیث یاور شان بود تا زمانیکه هاشم خان بکابل امدند، کاکای مرحوم ام، پدرم را که در انوقت نوجوان ۱۸- ۲۰ ساله بود وی را توسط هاشم خان در مکتب حربیه شامل ساخت، در صنف پدرم ظاهر خان و داودخان همراهِ چند نفر دیگر بودند، بعد از یک دو ماه کاکایم بمرگ طبی جان را بحق سپرد، در این مدت یکی از روزها سردار محمد هاشم خان غرض دیدن برادرزاده های خود به مکتب عسکری میاید بعد از معاینه به پدرم میگوید که عوض کاکایت همراهِ من باش و به همین خاطر هاشم خان پدر مرحوم ام را همراهِ خود بحیث یاور، هر چی که شما برایش میگوید، میگیرد. پدرم از امورات دفتر صدارت هاشم خان همراهِ وی شروع بکار میکند. عجب بی انصافی است شما میگوید که پدرم هم در ضبط احوالات کار میکرد و هم بحیث یاور هاشم خان. و باز مهمتر از همه شما میگوید که پدرم پیش خدمت پدر تان بود، لغنت الله الا کاذبین. ۲۰- هاشمیان شما تنها از یک قلم عاید یک تعمیر ما که ما ان ساختمان را به امریکاییهای به کرایه دایم متذکر گردیدید، ولی از دیگر خبر ندارید حالا من برایت میگویم، شکر خدا هزار بار شکر، از دفاتر صادراتی و وارداتی چین، دوی، پاکستان و افغانستان خبر ندارد، مطمئن ام اگر خبر شوید، میترسم که از حسادت زیاد چشمان تان کور نه شود.

۲۱- خوانندگان گرامی افغان جرمن آنلاین، سال گذشته بعد از روز تنکس کبین امریکا، هاشمیان برایم یک ایمیل شخصی در یاهو ارسال کرد و بعد از توبه نامه برایم گفت که اگر کتاب خاطرات پدرت که نویسنده و محقق پرتوان آقای شهسوار سنگروال

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

نیازی، نوشته یک نسخه انرا بمن ارسال کنید من هم بلادرنگ یک جلد ان کتاب را به وی ارسال نمودم، این داستانیکه هاشمیان در این مقاله نو خود تحت عنوان که بتاریخ ۲۰۱۶/۱۱/۴ در سایت افغان جرمن نشر گردید از روی ان کتاب پدرم هر چی که در ان بود، هاشمیان متن نوشته ان کتاب را سرچپه ساخته و اینست مقاله خود را عنوانی بنده که هیچ به خواندن نمی ارزد نوشته کرده، ان کتاب فکر میکنم که جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم و آقای فواد ارسلا نیز مطالعه نموده. این که در ان کتاب چی نوشته شده تنها کسانی میدانند که ان کتاب را خوانده، انها میدانند که واقعیت چیست. حالا از شما خوانندگان به کمال احترام تمنا میکنم که به چند عرایض بنده توجه نموده بعد قضاوت بدست شما است، هاشمیان مثل سابق در درفشانیهای خود این بار باز هم گلی را به اب داده متذکر میگردد، که پدرم توسط پدر وی به سردار هاشم خان معرفی شده. (در ولایت ننگرهار کیسکه تهمت ببند مردم برایش میگوید مخ دی تور.)

خوانندگان گرامی. اولین دیدار پدرم همراهی محمد هاشم خان دران روز که سردار هاشم خان از باغ میمله خوکیانی از طریق راه سیاه کو یا تور غر بطرف پکتیا نزد محمد نادرخان میرفت برای بار اول دیدن مینماید. اولین وظیفه پدرم همراهی هاشم خان صدراعظم در وقت صدارت شروع میشود.

فرض مثال اگر ما این ادعای مزخرف خلیل الله هاشمیان را قبول نمایم که پدرم هم یاور هاشم خان بوده و هم به اصطلاح عضو استخبارات (ضبط احولات)، در این جا سوال پیدا میشود، وقتیکه پدرم از سوابق محبوسین و مجرمین که پدر و کاکا هاشمیان بود وانها به جرم اخلال امنیت ملی زندانی شده بودند، پدرم که در ان وقت یاور اعتمادی صدراعظم آهنین هم بود چطور و بکدام جرات پدرم به خانه افراد که انها در منزل و خانه خود تحت نظارت دولت هم قرار گرفته بود و پدرم از این موضوع هم اطلاع داشته باشد رفت و آمد میکرد. فاعثیرو،

فامیل خود و فامیل خود را بالا بتراشد، خوانندگان محترم، در افغانستان ولسوالی کدام پست مهم دولتی نبود که یک فرد یا ورثه یک ولسوال بالای ان از اندازه زیاد بنزاد، امروز حکومت و دولت افغانستان پشت یک فرد چشم درد میگرد تا یکنفر را پیدا کند و به یکی از ولسوالیها وی را روان کند. هاشمیان بیچاره یک مکتوب عادی یک والی را هم فرمان میگوید، بهر صورت. هاشمیان در سجره خود مینویسد، که من هاشمیان بن بن بن بن بن سید جمالالدین افغان هستم این بن بن همان قصه خیشای گوسفندان است و بس.

هاشمیان اگر در زندگی کدام کار خوب کرده باشد ان کار وی شاید همین همکاری وی در تدوین قاموس دری است و بس. خواهش من از هاشمیان اینست که لطفاً این کار را به اتمام برسانید باز ما و شما گپهای زیاد داریم. قرار معلوم یک تعداد زیاد همکاران سابق این سایت از خاطر درفشانیهای بی مسولیتانه هاشمیان این سایت را رها کرد، که بعضی از انها سایتیهای نو را بخود ساخت و بعضی شان به سایت های دیگر رفتند. من نوشته سابق خود را که بتاریخ در سایت وزین افغان جرمن اقبال نشر یافت به خلیل الله هاشمیان بسیار محترمانه نویستم ولی وی به قدر ادب ندانست و به گپ های کوچه و بازار پناه برد.

اگر این اقا مشوره بنده و دیگر دوستان را قبول میکرد، هم بخیر وی و هم بخیر این سیاست است، من از این آقای محسن تقاضا میکنم که لطفاً دیگر نقل قول های بیجا نکنید،

آخرین توصیه من به این اقا اینست چون گرامر پشتو و دری را خوانده بهتر است یک کلاس گرامر دری و یا پشتو را در کلفورنیا باز نماید. و در ان، (الف زر، ا، الف زیر، یی، الف فی، او، / اه ای او). را تدریس نماید.

باقی دارد همراهی تفصیل بیشتر.

نوت: نکات سیاه شده در متن لزوم دید پورتال میباشد